

معنای تأویلی آب و طهارت در قرآن

مَقَالَةٌ

قرآن دارای ظاهر و باطن است.

ظاهر قرآن به طبیعت و ظاهر عالم اشاره دارد.

اما باطن قرآن به حقایقی در ارتباط با خداوند عالم و انسان که تنها مخاطب خداست و لذا اشرف مخلوقات نامیده شده است؛ اشاره دارد.

البته تطبیق ظاهر قرآن با آن حقیقتی که مراد خداوند از گفتن آیات بوده است؛ کار هر کسی نیست.

طبق فرمایش خود قرآن تنها راسخون در علم به تأویل قرآن، یعنی علم تطبیق ظاهر به حقایق باطنی قرآن، آگاهی دارند:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (آل عمران، ۷)

«خداست که این قرآن را بر تو نازل کرد، بعضی آیات آن حکیمانه و روشن است که آنها اصل علوم است و بعضی شبیه به آنها، کسانی که انحراف قلبی دارند در پی فتنه جوئی هستند به دنبال متشابهات می‌روند با این که تأویل آن را به جز خدا و راسخون در علم کسی نمی‌داند و آنها به تمام آیات محکم و متشابه ایمان می‌آورند که همه از جانب خداست، به جز خردمندان کسی حقیقت را درک نمی‌کند.» (ترجمه از استاد محمدعلی صالح غفاری^۱)

^۱ - www.salehghaffari.com / برای آگاهی بیشتر به پاورقی شماره ۴۸ در ترجمه ی قرآن استاد غفاری مراجعه نمایید. / ضمناً برای یافتن ترجمه‌ی کامل قرآن توسط استاد و نکات تأویلی آیات در پاورقی های این ترجمه ی شریف، می‌توانید متن کامل این ترجمه را از پایگاه اینترنتی استاد به نشانی فوق، براحتی دانلود نمایید.

و منظور از راسخون در علم، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای بر حق ایشان سلام الله علیهم اجمعین می باشند.^۲

لذا بدیهی است که برای فهم باطن قرآن باید به راسخون در علم مراجعه نمود. در واقع پس از مراجعه به احادیث و روایاتی که از معصومین س در تأویل قرآن موجود است و در دسترس می باشد، به این حقیقت پی می بریم که این بزرگواران برای رسیدن به فهم قرآن کلمات کلیدی آن را برای ما معنی کرده اند تا ما با دانستن این کلمات کلیدی بتوانیم با خواندن هر آیه و هر سوره به حقیقت معنای تأویلی آن پی ببریم.

به عنوان مثال در احادیث است که مراد از شمس در قرآن رسول اکرم ص است که خداوند تاریکی و ظلمت جاهلیت اعراب را با نور وحی و علم و دانایی، از طریق وجود ایشان به روز روشن دانایی مبدل نموده است.^۳ و یا در مواضعی که از ظلمت پایان تاریخ

^۲ - در اصول کافی از امام باقر یا امام صادق ع نقل شده است که فرمود:

"پیامبر خدا بزرگترین راسخان در علم بود و تمام آن چه را خداوند بر او نازل کرده بود از تاویل و تنزیل قرآن می دانست، خداوند هرگز چیزی بر او نازل نکرد که تاویل آن را به او تعلیم نکند و او و اوصیای وی همه اینها را می دانستند."

روایات فراوان دیگری در کتاب اصول کافی و سایر کتب حدیث در این زمینه آمده است که نویسندگان تفسیر "نور الثقلین" و تفسیر برهان" در ذیل این آیه آنها را جمع آوری نموده اند و همان طور که اشاره شد تفسیر "راسخون فی العلم" به پیامبر ص و ائمه هدی ع منافاتی با وسعت مفهوم این تعبیر ندارد، لذا از ابن عباس نقل شده که می گفت: من هم از راسخان در علم هستم، منتها هر کس به اندازه وسعت دانشش از اسرار و تاویل آیات قرآن، آگاه می گردد، و آنان که علمشان از علم بی پایان پروردگار سرچشمه می گیرد طبعاً به همه اسرار و تاویل قرآن آشنا هستند در حالی که دیگران تنها

قسمتی از این اسرار را می دانند. (سایت مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی www.askquran.ir)

^۳ - بخش امامت - ترجمه جلد هفتم بحار الانوار، ج ۲، بخش سی ام ائمه علیهم السلام نجوم و علامات هستند در این بخش غرائبی از تفسیر در مورد آنها و دشمنانیشان ذکر می شود ص : ۶۲ :

سخن می گوید، مراد امام زمان عج است که دقیقاً همان نقش را ایفا می نمایند، یعنی تبدیل شب تاریک غیبت که مملو از تباهی و تاریکی جهل است، به روشنایی علم و عدالت و آزادی.^۴

لذا تنها راه فهم درست قرآن مراجعه به این احادیث است. و درک و فهم مفاهیم قرآن ممتنع است، مگر با توجه به آن مضامین و مفاهیمی که معصومین س به ما می آموزند.



از مفاهیم گسترده ای که در قرآن کریم بارها و به انحاء گوناگون به کار رفته، مفاهیم «آب و باران و آسمانی که از آن باران نازل می شود و زمینی که با این باران تغذیه می شود و ...» است.

تفسیر قمی: ابو بصیر گفت از حضرت صادق علیه السلام معنی این آیه را پرسیدم: وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا فرمود شمس پیامبر اکرم است که بوسیله او خدا دینش را آشکار نموده گفتم وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا فرمود امیر المؤمنین علیه السلام است.

گفتم معنی وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا فرمود امام از فرزندان فاطمه علیها السلام است که راجع بدین پیامبر که از آنها سؤال شود آشکار میکنند و توضیح میدهند برای سؤال کننده گفتم معنی آیه وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا فرمود منظور پیشوایان و جور و ستم است که مقام ائمه را بخود اختصاص داده اند و جایی که شایسته امام است گرفته اند آنها پرده بر روی دین پیامبر کشیده اند بظلم و ستم اینست معنی وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا معنی تاریکی شب میبوشاند روشنائی روز را...

۴- کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۲، باب ذکر علامات قیام القائم ع و مدة أيام ظهوره و شرح سیرته و طریقه احکامه و طرف مما ینظر فی دولته ص : ۴۵۷: و روی المفضل بن عمر قال سمعت أبا عبد الله ع یقول: إن قائمنا إذا قام أشرق الأرض بنوره و استغنی العباد عن ضوء الشمس و ذهب الظلمة...

بر اساس بیانات ائمه س معنای کلی باران و آب، علم و دانایی است و آسمانی که از آن باران نازل می شود، انسان کامل است و زمین نیز انسان‌های غیر کاملی هستند که در مسیر تکامل از مسیر وجود انسان‌های کامل فیوضات الهی را دریافت می کنند.^۵

اکنون در این نوشتار با حدیثی مفصل از امام صادق علیه السلام و مضامین بلند آن آشنا می شویم. حدیثی که در باب معنای طهارت است و طهارت را در دو بعد ظاهری آن که شستن بدن و طاهر نمودن آن است و نیز طهارت درون را که رعایت تقوای الهی است؛ مفصلاً بر ایمان شرح می دهند.

البته جالبترین بخش این حدیث آنجا است که امام صادق ع معانی ظاهری و باطنی و تأویلی آب را که عامل طهارت است مقایسه نموده و ما را با حقیقت ولایت ائمه ی اطهار ع آشنا می نمایند. چنانکه با توجه و دقت در مضامین این حدیث شریف، در واقع با اوصاف و

۵- بخش امامت-ترجمه جلد هفتم بحار الانوار، ج ۲، بخش سی ام ائمه علیهم السلام نجوم و علامات

هستند در این بخش غرائبی از تفسیر در مورد آنها و دشمنانشان ذکر می شود ص : ۶۲:

اما (تفسیر امام صادق ع از آیات) : وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا ، آسمان محمد صلی الله علیه و آله و سلم است که مردم از نظر علم بجانب او میروند و آیه: وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحَاهَا منظور از ارض شیعه است (یعنی کسانی که در علم و عمل پیروی می کنند از آیین درست نبی اکرم ص) وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا مؤمنی است که از جور مخالفین پنهان است اما عقیده اش درست است: فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا آشنا بحقیقت هست و از باطل تمیز میدهد قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا رستگار است نفسی که خدا آن را پاک قرار داده وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا بیچاره است کسی که خدا او را گمراه نموده. و معنی این آیه: كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا فرمود ثمود گروهی از شیعه هستند. خداوند در این آیه می فرماید: وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ ما ثمود را راهنمایی کردیم گمراهی را اختیار کردند بکیفری دردناک و خوارکننده مبتلا شدند....

کیفیتی از سیره‌ی هدایتی ایشان آشنا خواهیم شد و شرایط بهره بردن اکمل از وجود این بزرگواران که تنها مربیان و معلمین راستین ما هستند، را خواهیم آموخت.

در حقیقت پس از درک تأویل این حدیث که خود به تأویل آیات قرآن و فرامین و اوامر الهی می پردازد،^۶ در خواهیم یافت که گویا امام صادق علیه السلام در باطن این حدیث شریف و عظیم، برای اولی الابصار که از ظاهر کلمات امام معصوم به باطن آن هدایت می-شوند؛ در حال بیان اسراری از شیوه و آداب شاگردی در مکتب معصومین سلام الله علیهم اجمعین می باشند.

اسراری از این قبیل که شاگرد باید از هر نوع توجه به غیر معلم و مربی راستین؛ اِبا کند. چرا که این در اثر گذاریِ آثاری که تعالیمِ معلم و مربیِ راستین باید داشته باشد، می کاهد؛ درست مثل وقتی که برای تطهیر با آب خالص و بدون هر آلودگی، حتی به اندازه‌ی اندکی نا-خالصی وارد آب شده باشد؛ که بدیهیست دیگر آن خاصیتِ خلوص را و تطهیر کامل را نخواهد داشت!



اکنون خداوند منان و امام‌های معصوم علیهم السلام که با ولایت تکوینی و تشریحی خود، درست هم اکنون شاهد و ناظر بر نفوس تک تک ما هستند؛ مطالعه‌ی این حدیث شریف را به محضر ما و شما دوست و خواننده‌ی گرامی، همچون فرصتی برای شاگردی کردن ما و موهبتی بزرگ عرضه داشته اند. باشد که ما با استعانت از خود ایشان برای درک مضامین بلند و عمیق تأویلی این حدیث شریف، با عنایت و دقت و توجه کافی آماده‌ی خواندن این حدیث

^۶ - ابو حیون از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمودند:

هر کس متشابهات قرآن را به محکمت آن ارجاع دهد، به راه راست هدایت شده است، سپس فرمودند: در اخبار ما نیز همانند قرآن محکم و متشابه وجود دارد، لذا متشابهات آن را به محکمت آن ارجاع دهید و صرفاً به دنبال متشابهات آن نروید که گمراه میشوید. (عیون أخبار الرضا ع-ترجمه غفاری و مستفید، ج ۱، ص: ۵۸۹) و نیز در (بحار جلد ۲، ص ۱۸۵)

گران‌سنگ گردیده و در نهایت نیز انشاءً الله با عنایات خاصّ حضرات معصومین سلام الله علیهم اجمعین، به درک آن مفاهیمی نائل آییم که مراد و منظور مولای ما امام صادق ع بوده است. و بدانیم که رسیدن به چنان درک درست از احادیث ائمه ی اطهار ع تنها راهی است که ما را به عنوان شاگردانی حقیقی در مکتب این بزرگواران شایسته‌ی آن می کند که انشاءً الله از عوامل ظهور حضرت حجّت عج باشیم و نه آنکه به دلیل نادانی و جهالت‌مان از موانع ظهور ایشان!!!^۷

۷- زیرا اصلی ترین عامل غیبت امام زمان عج جهل و نادانی مردمان است که قدر ایشان را نمی دانستند و غیر را به ایشان ترجیح می دادند. و مشیت و سیاست خدا و خلفای او این نیست که به هر قیمتی حتی به جبر بر مردم حکومت کنند. بلکه مشیت و سیاست ایشان این بوده و این است که مردم را به کمال برسانند و این رخ نمی دهد مگر آنکه مردم خودشان بدانند و بفهمند که کسی غیر از انسان کامل نمی تواند او را به کمال برساند. و این است حکمت عمیق و بزرگ فرمایش رسول خدا ص به امیرالمومنین ع که یا علی، تو همچون کعبه ای که مردم باید برای بیعت با تو به گرد تو جمع شوند و نه آنکه تو آنها را مجبور کنی که با تو بیعت کنند!!!

قسمت اول حدیث از امام صادق علیه السلام در باب طهارت و وضوء :

قال الصادق (ع) اذا أردت الطهارة و الوضوء، فتقدم الى الماء تقدمك الى رحمة الله، فان الله تعالى قد جعل الماء مفتاح قربته و مناجاته، و دليلا الى بساط خدمته. و كما ان رحمة الله تطهر ذنوب العباد، كذلك النجاسات الظاهرة يطهرها الماء لا غير. قال الله تعالى: هو الذي أرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته و أنزل من السماء ماء طهورا. (فرقان، ٤٨) و قال الله تعالى: وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَ فَلَا يُؤْمِنُونَ. (انبیاء، ٣٠) فكما أحيى به كل شيء من نعيم الدنيا كذلك برحمته و فضله جعل حياة القلوب بالطاعات.^٨

ترجمه

حضرت صادق (ع) فرمود:

چون قصد تطهیر و وضوء کنی به آب نزدیک باش مانند آن شخصی که می خواهد خود را به رحمت پروردگار متعال نزدیک کند، زیرا خداوند آب را وسیله مناجات و قرب خود قرار داده، و او را مقدمه و دلیل بر بساط بندگی و عبادت خود معین فرموده است. و چنان که رحمت پروردگار متعال معاصی و ذنوب بندگان را محو می کند، آب نیز نجاسات و کثافات ظاهری را تطهیر و پاک می کند. خداوند می فرماید:

خدائی که می فرستد بادهای را بشارت دهنده در پیشروی رحمت خود و سپس نازل می کند از آسمان آب پاکی را. (فرقان، ٤٨) و باز می فرماید: و قرار دادیم از آب هر چیز زنده ای را پس آیا به خدا ایمان نمی آورید؟ (انبیاء، ٣٠)^٩

٨- مصباح الشریعة-ترجمه مصطفوی، متن، ص: ٤٢ تا ٤٥، الباب العاشر فی الطهارة

٩- منظور امام ع از آوردن این دو آیه شاید این است که ما بفهمیم که معنای تأویلی این آیات همانا خود ائمه اطهار ع هستند که خداوند آنها را ظاهر ساخته و وسیله ی تطهیر نفوس ابناء بشر قرارشان داده است. درست مثل آب باران که خالص و ظاهر است و عامل حیات سایر جانداران است. به یاد آورید این

پس چنان که خداوند متعال هر چیزی را از نعمت‌های دنیا به وسیله آب زندگی و حیوة بخشیده است، همچنین به فضل و رحمت خود، زندگی و حیوة قلوب را به وسیله عبادات و طاعات قرار داده است.^{۱۰}

شرح

در اشتراط عبادات به طهارت (طهارت بدن، وضو، غسل) تنبیه است به مطلوبیت طهارت و منفور و نامطلوب بودن ضد آن، و از اینجا فهمیده می‌شود که طهارت قلب به طور مسلم مطلوبتر و منظورتر است، زیرا پاک بودن قلب و طهارت نفس منشأ طهارت افکار و اعمال است، و به طوری که گفته شد تطهیر و اصلاح نیت و عمل بدون پاکی و سالم بودن قلب امکان پذیر نیست. و همین طوری که در وظائف مربوط به بدن نیت و ذکر و فکر و شکر و مسواک و مستراح و سپس طهارت و عبادت است، انجام وظائف روحی و قلبی نیز به همین ترتیب لازم است رعایت شود. و بلکه دقت کردن و مراقبت نمودن در انجام وظائف مربوط به باطن به مراتب مهمتر و مؤثرتر و مفیدتر بوده، و آثار نتایج ظاهری و معنوی آن بیشتر و

فراز از زیارت حضرت امام زمان علیه السلام را که ایشان را با این وصف به ما معرفی فرموده‌اند:
السلام عليك يا عين الحيات، یعنی سلام بر تو ای چشمه ی آب حیات!!!

۱۰- البته بدیهی است که لازمه ی اطاعت و بندگی به معنای شاگردی و تکامل یافتن، وجود کسی است که باید مورد اطاعت قرار گیرد. و توجه داشته باشید که خداوند همه جا ما را برای تعالی و رسیدن به کمال به پیروی از الگوهای کاملی امر فرموده است که تنها راه درست در بیابان برهوت دنیا هستند تا مدینه‌ی فاضله یعنی شهر آباد بهشت. و این است معنای فرمایش مولا امیر المومنین آنجا که فرموده اند:
أنا صراط المستقیم! (مسند الإمام الرضا علیه السلام، ج ۲، خطبة أمير المؤمنين صلوات الله عليه في يوم الغدير ص : ۲۱: أنا صراط الله الذي من لم يسلكه بطاعة الله فيه هوى به إلى النار، و أنا سبيله الذي نصبني للاتباع، بعد نبیه صلی الله علیه و آله و سلم، أنا قسیم الجنة و النار...)

افزون تر است. و اشخاصی که هنگام عبادت قصد تطهیر ظاهر را کرده، و از تطهیر باطن غفلت و مسامحه می‌کنند، سخت در اشتباه و گمراهی هستند.

قسمت دوم

فتفکر فی صفاء الماء و رفته و طهره و برکتہ و لطیف امتزاجه بكل شیء، و استعمله فی تطهیر الاعضاء الی أمرک اللہ بتطهیرها، و تعبدک بادائها (و آت بآدابها) فی فرائضه و سننه، فان تحت کل واحدة منها فوائد کثیرة، فاذا استعملتها بالحرمة انفجرت لک عیون فوائدہ عن قریب، ثم عاشر خلق اللہ تعالیٰ کامتزاج - الماء بالاشیاء، یودی کل شیء حقہ و لا یتغیر عن معناه، معتبرا لقول الرسول صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: مثل المؤمن المخلص (الخالص) کمثل الماء. و لتکن صفوتک مع اللہ تعالیٰ فی جمیع طاعتک کصفوة الماء حین أنزلہ من السماء و سماه طهورا، و طهر قلبک بالتقوی و الیقین عند طهارة جوارحک بالماء.

ترجمه

پس تأمل کن در صفاء و رقت و برکت و لطیف بودن آب که با هر چیزی مخلوط می‌شود، و آن را استعمال کن در تطهیر و پاک کردن اعضا و تن خود که خداوند متعال امر فرموده است به تطهیر آنها، و تو را متعبد کرده است (و بیاور به آداب آن) برای بجا آوردن آن در جمله‌ای از فرائض و سنن خود، زیرا در ذیل هر یک از آنها فوائد بی‌شمار و اسرار زیادی هست و چون آداب طهارت را رعایت کرده و در استعمال آن مطابق آنچه وارد شده است عمل کردی، عیون فوائد آن برای تو منفجر و روشن گردد: و تو را باید که چون آب لطیف با بندگان خدا معاشرت و اختلاط کرده، و مانند آب دیگران را تطهیر و در آنها تأثیر کرده، و خود هرگز از حال و مقام خود تغییر پیدا نکنی! و در این مورد از کلام حضرت رسالت پناه عبرت بگیر که فرموده است: مثل مؤمن خالص مانند آب است.

و با خدای خود در مقام عبادت و بندگی مانند آب، صاف و خالص و روشن باش
چنان که خداوند متعال به هنگام نزول آب آن را به عنوان طهور و پاکی نامیده است.
و قلب خود را با تقوی و یقین تطهیر کن، هنگامی که اراده کنی که ظاهر بدن و جوارح
خود را با آب تطهیر بکنی!

شرح

آب فی نفسه طاهر است و کثافات و نجاسات را تطهیر می‌کند، و آبی که آلودگی‌های
دل را تطهیر می‌کند، عبارتست از نیت و افکار خالص روحانی و اعمال و عبادت‌های صحیح
و صاف و خالص، البته نیتها و توجهات روحانی؛ افکار و وساوس و خیالات و اندیشه‌های
شیطانی و ظلمانی و ناپاک را از قلب بیرون می‌برد. و عبادت‌های خالص، قلب را نورانیت و
روشنائی و صفا بخشیده، و تاریکی و آلودگی‌ها را زائل می‌کند. ولی چنان که گفتیم لازم است
نیت و همچنین عبادت صاف و خالص و پاک بوده و آلوده و کثیف و مخلوط به اغراض و
اندیشه‌های فاسد و دنیوی نگردد. و از طرف دیگر، شخص مؤمن پاکدل نیز مثل آب است، و
چون آب صفا و طهارت و روحانیت دارد، در سیر و جریان معنوی خود مانند آب روح افزا و
جانبخش و جاذبه عمیق دارد. ولی باید خوب مراقب شد که: زیاد با اشیاء متعفن و کثیف
مصاحبت و اختلاط نکند، و اگر نه؛ گذشته از اینکه در وجود آنها تأثیری نمی‌کند،
خصوصیات و صفات صفاء و طهارت و لطافت و طعم مطلوب خود را نیز از دست خواهد
داد.

والسلام علی من اتبع الهدی

لاکنون در ادلہ و در ہمسع مضمون از بیان نغز مولو ریضوانیم:

بخش ۹۶ - پیش رفتن دقوی رحمة الله عليه به امامت

از دفتر سوم مثنوی

...

در شریعت هست مکروه ای کیا

در امامت پیش کردن کور را

گرچه **کافر** باشد و چُست و **فقیه**

چشم روشن به، وگر باشد سفیه

کور را پرهیز نبود از قدر^{۱۱}

چشم باشد اصل پرهیز و حذر

او پلیدی را نبیند در عبور

هیچ مؤمن را مبادا چشم کور

کورِ ظاهر در نجاسه ظاهرست

کورِ باطن در نجاسات سِرست

این نجاسه ظاهر از آبی، رود

آن نجاسه باطن، افزون می شود

۱۱- لغت نامه دهخدا: قدر. [قَ] [ع ص) پلید. (منتھی الارب) (آندراج). قَدْر. قَدْر. (منتھی

الارب). || (مص) پلید بودن . (اقرب الموارد). پلید شمردن . || کراحت ...

جز به آب چشم نتوان شستن آن
چون نجاسات بواطن شد عیان
چون نجس خواندست کافر را خدا
آن نجاست نیست بر ظاهر ورا
ظاهر کافر مُلَوَّت نیست زین
آن نجاست هست در اخلاق و دین
این نجاست بویش آید بیست گام
و آن نجاست بویش از ری تا به شام
بلک بویش آسمانها بر رَوَد
بر دماغ حور و رضوان بر شَوَد
اینچ می گویم، به قدر فهم تُست
مُردَم اندر حسرتِ فهمِ دُرست!

مُردَم اندر حسرتِ فهمِ دُرست!

...